

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

شباهنگ راد

۰۸ جون ۲۰۱۳

"سازمان فدائیان" (اقلیت) در کجای اتحاد ایستاده است؟

پیشاپیش می‌شد داستان و سرنوشت اتحاد فی‌مابین نیروهای چپ خارج از کشور را حدس زد؛ می‌شد حدس زد که هدف سازمان‌ها و نهادها، رفع ایرادات و کاستی‌های چپ و همچنین پاسخ‌گویی به نیازهای عملی جنبش نیست؛ می‌شد به این استنباط دست یافت که مقصود تجمع کنندگان، نه سامان‌دادن انرژی‌های باقی‌مانده و پراکنده چپ خارج از کشور، بلکه، راه‌اندازی مشغولیات "تازه" - و در حقیقت تکراری - است. به بیانی دیگر و خوش‌بینانه، اگر و از آغاز می‌شد با نگاهی "نامطمئن" و "مشکوک" به موضوع اتحاد نیروهای چپ خارج از کشور نگریست، اما با عمر نزدیک به یک‌ساله، و با جمع‌بندی دومین جلسه آن، می‌توان به این امر اصرار داشت، که انگیزه سازمان‌ها، نهادها و بعضاً ناظران، راه‌اندازی و باب‌گفت و گوی حقیقت، با مردم و یا با نیروی جوان جنبش نیست. به بیانی دیگر هر چه بیشتر بر عمر اتحاد می‌گذرد، آسان‌تر می‌توان به بی‌مایگی و به بی‌پرنسیبی "سازمان‌ها" و "احزاب" متشکله درون اتحاد پی‌برد و رفتار غیر مسؤولانه آن‌ها را سنجید.

ناگفته نماند که حکایت این "سازمان‌ها" و "احزاب"، به حکایت و تاکتیک ای دزد، ای دزد تبدیل گردیده است؛ به حکایت هم هستیم و هم نیستیم، هم خوب است و هم بد مبدل شده است، فرهنگ بنادرستی که در میان نیروهای چپ خارج از کشور نهادینه شده است و طبعاً با فرهنگ و آرمان کمونیستی یکی نیست. چنین نگاهی مضر و مایوس‌کننده است. این فرهنگ و متد کاری، نه تنها در خدمت به پاسخ‌گویی پائین‌ترین ایرادات چپ نیست، بلکه نیروهای درون آن را به مسیر اضمحلال و پاشیدگی هر چه بیشتر سوق خواهد داد. سؤال این است که با چنین فرهنگ و با چنین متدی چپ خارج از کشور، سر از کجاها در خواهد آورد؟ سؤال این است که آیا می‌توان از یک‌سو ارزیابی‌های بعضاً نیروهای متشکله درون اتحاد، پیرامون نافرجامی کار را نادیده گرفت و از سوی دیگر انتظار پیش‌روی و ثمربخشی کار وسیع‌تر را داشت؟ آیا می‌توان از برخورد دو گانه بعضاً "سازمان‌ها" صرف‌نظر نمود و در همان حال ادعای یگانگی را داشت؟

به هر حال توضیح ناروشنی‌ها و تناقض‌گویی‌های درون اتحاد را به خود آنان واگذار می‌کنیم و سؤال تازه‌ای را در مقابل‌شان قرار می‌دهیم، مبنی بر این که اتحاد «کلن» با حمل تناقضات آشکار در درون، به کجا خواهد رفت و قصد پاسخ‌گویی به کدامین خواسته‌ها را دارد؟

اما و خارج از ارزیابی «اتحاد کلن» به طور عموم، و تناقض‌گویی این "سازمان" و آن "سازمان"، و یا این "حزب" و آن "حزب" به طور خاص، تأکید یک نکته بی‌مناسبت نمی‌باشد و آن این است که نگاه هیچ‌یک از نیروهای درون اتحاد، سر راست و بی ابهام نیست. آنچه از شواهد پیداست، ابعاد در هم ریختگی، بی‌پرنسیبی و ندانم‌کاری "سازمان‌ها" و

"احزاب" چپ خارج از کشوریست که آنقدر بی اندازه و وسیعست، که با قلم، نمیتوان به تصویرش در آورد. در واقع انتخاب سیاست چند گانه و غیر مسؤولانه به کار روزانه شان تبدیل گردیده است و اصلاً و ابداً، کاری به وفاداری و تعهدپذیری کمونیستی ندارند. هیچیک از آنان سر مشق دیگری نیستند و در عوض سرشار از بی صداقتی و رفتارهای بی پرنسیپانه‌اند. یکی از این دست "سازمان‌ها" را می‌توان به، "سازمان فدائیان" (اقلیت) منتسب نمود؛ "سازمانی" که بنابه ادعای خود، یگانه "سازمان پرولتری"ست؛ "یگانه سازمانی"ست که به معضلات تئوری – عملی جنبش و همچنین به مشکلات رو در روی چپ خارج از کشور پاسخ داده است، و "سازمانی"ست که با ارائه راهکارهای "تازه" و "جدید" قصد دارد، اوضاع اسفبار چپ خارج از کشور را تغییر دهد!!

در هر صورت این‌ها ادعاهای اقلیت می‌باشد و نه، می‌توان گنده‌گویی‌هایش را جدی گرفت و نه، می‌توان راهکارهای آن را به حساب یک سازمان کمونیستی جدی گذاشت. البته، این فقط اقلیت نیست که به چنین دردهای بی درمانی مبتلا می‌باشد و به جرأت می‌توان گفت که ناصادقی گفتاری، در سر لوحه فعالیت اکثریت نیروهای خارج از کشور قرار گرفته است و کسی حاضر به بیان حقیقی درونی خودی نیست. همه می‌خواهند انقلاب ایران را از دور هدایت نمایند و جامعه را از شر رژیم سراسر جنایتکار جمهوری اسلامی نجات دهند. نه سیاست‌ها روشن و سر راست است، و نه حاضر به بیان ابزار متناسب با قوانین حاکم بر جامعه ایران‌اند. نقدها هم فاقد پتانسیل و بار کمونیستیست و همه در تلاش‌اند تا با توسل به دروغ و با وارونه جلوه دادن موقعیت خودی، سر در "سازمان" و "حزب" خود را تزیین نمایند!! در بستر چنین تفکری اخیراً در کار شماره ۶۴۲ "سازمان فدائیان" (اقلیت) مؤرخه نیمه اول فروردین [حمل] ۱۳۹۲ نوشته‌ای منتشر گردیده است تحت عنوان ["در نقد و نگاهی به نشست مشترک احزاب، سازمان‌ها و نهادهای چپ کمونیست"](#). در این نوشته اقلیت سعی نموده است تا از یکطرف ارزیابی و بی سر انجمنی اتحاد را بازگو نماید و از طرف دیگر پای خود را به عنوان جریان و عنصری از اتحاد، به کنار کشد. موضوعی که نه تنها تعجب‌آور نیست بلکه یکبار دیگر دارد، بی‌پرنسیپی و بی‌مسئولیتی این "سازمان" را در معرض دید همگان قرار می‌دهد و همچنین بر این واقعیت صحنه می‌گذارد که اساساً این "سازمان"، زاده نشده است تا بار مسؤولیت و بی‌فرجامی کارها را بر عهده بگیرد، بلکه آمده است تا ایده‌های کج و سراسر انحرافی و راهکارهای به غایت تسلیم‌طلبانه خود را به عنوان ایده "پرولتری" و "رهائی‌ساز" به خورد دیگران دهد. در "نقد" اقلیت می‌خوانیم: *"واقعیت این است که هنوز هیچ‌گامی در راستای وظایفی که در اولین نشست ... بر نداشته است ... نشست بدنبال درس‌گیری از تجارب گذشته نمی‌باشد ... با گذشت یکسال بازده بیرونی این نشست بسیار ناچیز بوده است ... در حقیقت برخی از جریاناتی که آنها امضاء کرده بودند، هیچ فعالیت، نقشی در این کارزار و در عمل بر عهده نگرفتند ... نشست نه تنها حاصل تجارب گذشته را در خود بازتاب نداده، بلکه به صراحت می‌توان گفت حتا در برخی از عرصه‌ها عقب‌تر از اتحاد انقلابی نیروهای چپ و کمونیست می‌باشد ..."*

حکایت غیر قابل توصیفیست و "آش آن قدر شور شده که خان هم فهمیده". اما و جدا از حقایق طرح شده از جانب اقلیت پیرامون اتحاد بی سر انجام و عقب‌مانده، این سؤال طرح است که چرا این "سازمان" علی‌رغم باوری به چنین جمع‌بندی روشنی، همچنان در میان آنان قرار گرفته است و مهمتر از آن، این‌که پای اطلاعیه‌های گوناگون اتحاد را امضاء می‌کند؟ در این میان و اگر بخواهیم، به زور "نقد" اقلیت را پیرامون اتحاد نیروهای چپ به خود بقبولانیم، آن وقت، [اطلاعیه پایانی نشست نیروهای چپ ..](#) مبنی بر این‌که .. *"این نیروها که در فاصله دو نشست وظایف محوله را به پیش بردند، دستور کار نشست را به تصویب رساند ... تدارک گام‌های بعدی را تدقیق نمودند و در پایان بعد از دو روز با موفقیت به کار خود پایان دادند"*، را چگونه می‌توانیم جمع و جور نمائیم؟! آیا به زعم اقلیت، این دو جمع‌بندی و دو سیاست، در مقابل هم قرار ندارند؟ آیا اقلیت نمی‌داند که انتخاب چنین سیاستی به معنای عدم جدیت این "سازمان"

پیرامون مسائل متفاوت و از جمله اتحاد فی‌مابین نیروهای چپ می‌باشد؟ برآستی چرا اقلیت آشکارا به چنین سیاست غیر مسؤولانه‌ای متوسل می‌شود و هدفش، از ورود به چنین بازی‌های سیاسی و مخرب چیست؟

بی‌گمان و در این میان، یک موضوع کاملاً مبرهن می‌باشد و آن، این است که این "سازمان" جایگاه و نقش خود را در بروز چنین وضعیتی کتمان می‌کند و همه سعی‌اش بر آن است تا کالای خود را، به‌عنوان کالائی مرغوب و با دوام‌تر به فروش برساند!! می‌خواهد این‌گونه القاء نماید که تضمین و ضامت پیش‌روئی و پیروزی اتحاد، در گرو قبول سیاست‌ها و راهکارهای این جریان، از جانب بیست و چند "سازمان" و "حزب"، نهاد و غیره می‌باشد!! البته ناگفته نماند و پر واضح است که ارائه چنین ارزیابی از جانب اقلیت پیرامون اتحاد فی‌مابین نیروهای خارج از کشور، کار دشواری نبود. چرا که بی‌حرکی و بی‌دخالتی نزدیک به سه دههٔ تجمعات کمونیستی، به نوبهٔ خود نمایان‌گر این واقعیات است که همه به‌تدوam چنین اوضاع و وضعیتی راضی‌اند، و در انتظار تغییر و تحول از بالا و در پی آن، انجام وظایف کمونیستی در فردای "انقلاب" اند!!! چنین نگاهی - من‌حیث‌المجموع - عمومی شده است و اقلیت هم به‌خوبی می‌داند که از این قاعده مستثنی نیست، و می‌داند اوضاع درونی‌اش به‌مانند مابقی "سازمان‌ها" و "احزاب"، بسیار غم‌انگیز است و نقش بس عظیمی، در شکست‌ها و در تلف نمودن نیروهای چپ دارد؛ می‌داند که به دلیل سیاست‌ها و تاکتیک‌های ناصحیحش عقب‌تر از روز قبل است؛ می‌داند که امضای وی هم، فاقد کمترین پشتوانه عملی است و همه و از جمله اقلیت، بی‌جهت دور چنین اتحادهایی خیمه زده‌اند؛ می‌داند که قصدشان، شفاف سازی نظرات و بیان حقایق با دنیای غیر خودی نیست. در حقیقت ناصدقی گفتاری و این درد و افکار ناسالم، مزمن شده است و کسی حاضر به سر راست سخن گفتن نیست. متأسفانه متد، راه و رسم و رسوم آرمان کمونیستی، به دنیای بیرونی بد معرفی می‌گردد و بی‌تردید ایراد اقلیت نه در بیان واقعیات اتحاد نیروهای چپ و بی‌ثمری آن در پیش‌برد و ظایفش، بلکه در فرار و در نادیده‌گیری سیاست‌های غلط و رفتارهای بغایت مخربش و آن‌هم در بروز چنین اوضاع دردناکی می‌باشد.

البته که ندانم‌کاری، بی‌پرنسیبی و دوگانگی گفتار اقلیت، به یکی دو مورد و در این زمینه خلاصه نمی‌گردد و اساساً، این "سازمان"، نطفه‌اش با بی‌صدافتی و همچنین با بی‌تعهدی کمونیستی بسته شده است. فاکتورها زیاداند و موضوع فعلی، زیر و رو نمودن سیاست‌ها، تاکتیک‌ها و رفتارهای بغایت غیر کمونیستی و تشکیلاتی اقلیت، پیرامون مخالفان درونی و بیرونی، و همچنین ارتباط و "باج‌گیری"، آن با نهادها و ارگان‌های وابسته به سرمایه نیست. به هر حال و تا آنجائی‌که به اتحاد نیروهای چپ خارج از کشور بر می‌گردد، لازم است تا یکبار دیگر بر این موضوع تأکید شود که شکی در بیهودگی چنین تجمعات بی‌مایه و بی‌ثمر نیست؛ شکی در آن نیست که سر انجام آن، گسست و به‌هرز بُردن انرژی عناصر و پاشیدن تخم بدبینی، یأس و تعریف بنادرست از اتحاد فی‌مابین نیروهای کمونیستی در میان نیروی جوان جنبش می‌باشد؛ شکی در آن نیست که این "سازمان‌ها" و "احزاب" آمادهٔ کمترین اقدامات عملی و کار جدی نیستند و قصدشان جهت دادن جنبش‌های اعتراضی به سمت جلو نیست؛ شکی در آن نیست که هدفشان، راه‌گشایی و تغییر اوضاع وخیم زندگانی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش در داخل نیست و همچنین بیست و چند "سازمان"، "حزب" و نهاد خارج از کشوری، کاری به نتایج مخرب و عواقب تأسفبار چنین اتحادهایی ندارند؛ اتحادی که تکلیفش، پیشاپیش روشن بود و آنچه در این‌میان، ناروشن و برای اقلیت گنگ و مبهم بوده و می‌باشد، سیاست یک بام و دو هوای آن است.

به بیانی دیگر، نه وظایف و سیاست عملی اتحاد مشخص است و نه اقلیت، راهکار مناسب ارائه می‌دهد. مردم غرق در فقر و بدبختی‌اند و لحظه‌ای از تعرض و یورش ارگان‌های سرکوب‌گر نظام در امان نیستند و یگانه ابزار، و یگانه راه پیشنهادی، "سازمان پرولتری"، ایجاد تلویزیون ماهواره‌ای و "رسانهٔ توده‌ئی" است!! تلویزیون و "رسانه‌های توده‌ئی"

که رقم آن از مرز ده‌ها هم گذشته است و در خارج از کشور، از راست اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی گرفته تا چپ آن، مشغول انجام چنین وظایف "خطیر"، "تأثیرگذار" و "بسیج‌کننده" اند!!!

خلاف نظر اقلیت باید اعلام نمود که چنین راهکاری "تازه"، "نوین" و مشکل‌گشا نیست. این راهکار، علاج درونی جنبش‌های اعتراضی کارگری - توده‌ئی - و همچنین در خدمت به شکستن فضای تسلیم‌طلبانه چپ خارج از کشوری نیست. چنین راهکاری، تکراری و مشغولیات بی‌محتوا و این‌بار، با جمعی وسیع‌تر می‌باشد. این راهکار، انرژی‌زا و آزادکننده نیست و در خدمت به ماندن عناصر چپ و به انحراف کشاندن راه اصلی مبارزه از شر نظام سرپا مسلح و هار جمهوری اسلامی‌ست. غلبه رخوت بر چپ، با بُرش و با جسارت کمونیستی گره خورده است و نیاز به آن است تا سازمان و حزب مدعی کسب قدرت سیاسی، پیشاپیش مبارزات توده‌ها قرار گرفته و ارگان‌های وابسته به سرمایه را نشانه گیرد؛ نیاز به آن است تا گفتار خود را تغییر دهد و سر راست و بدون کمترین چشم‌داشت‌های سیاسی - تشکیلاتی، با مردم خود سخن گوید....

خلاصه این‌که اقلیت در شرایطی چنین نسخه‌ای را برای رفع رخوت نیروهای کمونیستی تجویز می‌کند، که این "سازمان" مدت‌هاست، اقدام به راه اندازی تلویزیون ماهواره‌ای تحت عنوان "تلویزیون دموکراسی شورائی" نموده است؟ برآستی که هدف اقلیت از راه‌اندازی رسانه موازی، و آن‌هم تحت عنوان رسانه نیروهای چپ و کمونیست، در چیست؟!؟

جون ۲۰۱۳

خرداد[جوزا] ۱۳۹۲